

بر آمدن یک شهر اسلامی: مدارس و تبدیل استانبول به کلان‌شهری اسلامی

مهدی عبادی^۱

چکیده: نهاد مدرسه از طریق تثبیت و رونق بخشیدن به حیات آموزشی و مذهبی در شهر استانبول پس از فتح (۸۵۷ق. / ۱۴۵۳م.)، در ارتقای جایگاه شهر استانبول به کلان‌شهری اسلامی-عثمانی نقش بی‌بدیلی را ایفا کرد. اگرچه انتقال پایتخت عثمانی به استانبول به وسیله محمد دوم (فاتح) صورت گرفت، اما تبدیل آن به مرکز آموزشی-مذهبی عثمانی و کلان‌شهری اسلامی در دوره خود محمد فاتح، از طرق دیگر از جمله تأسیس جوامع و مدارس باشکوه میسر گردید. در سایه تأسیس و فعالیت تعداد قابل توجهی از مدارس و در رأس آنها مدارس صحن (مدارس ثمانیه) و حضور استادان و طلبه‌هایی که در این مدارس تدریس و تحصیل می‌کردند، حیات اسلام شریعتی و مدرسی در پایتخت و کلان‌شهر جدید عثمانی شکل گرفت. به دنبال این مهم، مدارس از دو منظر وجهه ظاهری شهر و تثبیت و رونق بخشیدن به حیات دینی و مذهبی در آن، در روند تبدیل استانبول به کلان‌شهری اسلامی نقش بی‌بدیل و مهمی را ایفا کردند.

واژه‌های کلیدی: استانبول، مدارس عثمانی، محمد فاتح، مدارس صحن ثمان

The Emergence of an Islamic City: The Madrasas and Converting Istanbul into an Islamic Metropolis

Mahdi Ebadi¹

Abstract: The Madarasas played a unique role in promoting Istanbul into an Islamic-Ottoman metropolis by consolidation and boosting the educational and religious life of the city after the conquest (1453 A.D.). Although the transforming of the Istanbul to the Ottoman's capital took place by Mehmet II (the Conqueror), but the changing of city into the Ottoman educational-religious center and Islamic metropolis, carried out via other ways, including building of the magnificent mosques and madrasas. As a result of building and activities of the significant number of madrasas, especially Madaris-i Sahn (Sahn-I Thiman), Madrasa's teachers (ustad) and students (Talaba) could teach and study in this madrasas, and inform the life of official Islam (Sharia) and Islam of Madrasa in the new Ottoman capital and metropolis. Consequently, the Madrasas had played an important and unique role in outward image and establishment and flourishing of religious life in Istanbul and converting it into an Islamic metropolis.

Keywords: Istanbul, Ottoman Madrasas, Mehmet the Conqueror, Madaris-i Sahn-i Thiman.

1 Assitant professor , Department of History & Civilization of Islamic Nations, Payam Noor University; m.ebadi@pnu.ac.ir.

مقدمه

با تأسیس اولین مدرسه در قلمرو عثمانی که پس از فتح از نیک^۱ (۷۳۱ق./۱۳۳۱م.) صورت گرفت،^۲ نهاد مدرسه در کنار نهادهایی مانند جامع (مسجد) و بازار، به عنصری ثابت و مهم در شهرهای عثمانی تبدیل گردید. اهمیت مدرسه در حیات شهری و زندگی دینی-فرهنگی عثمانی‌ها در همان اوان به گونه‌ای بود که تأسیس مدرسه در کنار جامع، به بخشی از سیاست فتح درآمده بود.^۳ از این رو، بلافاصله پس از فتح هر شهری، به ویژه اگر آن شهر متعلق به غیرمسلمانان بود، جامع و مدرسه‌ای در آن بنا می‌گردید. در این میان، اگر شهر مفتوحه برای سلاطین عثمانی اهمیت ویژه‌ای داشت، برای نشان دادن این امر، اغلب بناهای باشکوهی از نوع جامع و مدرسه نیز در آن بنا می‌گردید. بنای مدارس باشکوه اغلب با این هدف صورت می‌گرفت تا با رونق بخشیدن به فعالیت‌ها و حیات علمی و مدرسی در شهر، جایگاه آن شهر خاص ارتقاء یابد و اهمیت آن نیز بر همگان آشکار شود. زمانی که شهر استانبول در ۸۵۷ق./۱۴۵۳م. فتح و بلافاصله به عنوان پایتخت جدید دولت عثمانی انتخاب شد، با توجه به ماهیت بیزانسی شهر، یکی از دغدغه‌های اصلی و مهم، چگونگی و روند تبدیل آن به کلان‌شهری اسلامی بود؛ به گونه‌ای که این مهم هم در حیات فرهنگی و اجتماعی آن نمود پیدا کند و هم ظاهر آن را به شهری اسلامی نزدیک نماید. در سطور آتی به تبیین این مسئله پرداخته خواهد شد که مدارس و در رأس آنها مدارس صحن ثمان، چگونه در تبدیل استانبول نومفتوح به کلان‌شهری اسلامی-عثمانی در همان مقطع کوتاه پس از فتح و در زمان فرمانروایی محمد فاتح (حک ۸۵۵-۸۶۶ق./۱۴۵۱-۱۴۸۱م.) ایفای نقش کردند.

فتح استانبول و تأسیس مدارس

یکی از تحولات عمدهٔ اوایل عهد فرمانروایی محمد دوم فتح شهر قسطنطنیه بود. محمد دوم مشهور به محمد فاتح پس از جلوس بر اورنگ سلطنت در ۸۵۵ق./۱۴۵۱م، در صدد فتح

۱ شهری باستانی و بیزانسی نیکایا (Nicaea) که در منابع اسلامی به صورت «نِیقِیة» نیز ضبط شده است.

۲ ادريس بن حسام الدين بدلیسی (کتابت در سنه ۱۰۸۴هـ)، هشت بهشت، کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی، نسخهٔ شماره ۸۷۶۲، به کتابت محمد معصوم زنوزی، ورق ۱۷۲.

۳ اکمل‌الدین احسان‌اوغلو (۱۳۸۶)، «مدارس امپراتوری عثمانی»، ترجمهٔ مهدی عبادی، فصلنامه تاریخ اسلام، س ۸، ش ۲۹، ص ۱۵۳.

پایتخت بیزانس برآمد. فتح قسطنطنیه^۱ و تبدیل آن از «دارالحرب به دارالاسلام»^۲ که در روز سه شنبه بیستم جمادی الاولی ۸۵۷ق. بیستم و نهم مه ۱۴۵۳م. صورت گرفت،^۳ برای سلطان محمد دوم اعتبار و شهرت فراوانی را در جهان اسلام به همراه داشت و او را به «فاتح»^۴ و «ابوالفتح» ملقب ساخت.^۵ پس از فتح استانبول، این شهر از سوی محمد فاتح به عنوان پایتخت وی و دولت عثمانی انتخاب گردید.^۶ این انتخاب بدین معنی بود که به زودی باید استانبول به مهمترین

۱ در مورد روند فتح قسطنطنیه (استانبول) نک: احمد عاشق پاشازاده (۱۳۳۲)، *تاریخ آل عثمان*، استانبول: مطبعة عامره، صص ۱۴۱-۱۴۲؛ قریتوولوس (۱۳۲۸)، *تاریخ سلطان محمدخان ثانی*، مترجمی قارولیدی، استانبول: احمد احسان و شرکاسی، صص ۴۶-۸۵؛ قوامی (۱۹۵۵)، *فتحنامه سلطان محمد فاتح*، حاضرلایان فرانسیس بابنکر، استانبول: معارف و کالتی-معارف باصیم اوی، صص ۵۶-۶۶؛ طورسون-یک (۱۳۳۰-۱۳۳۲)، *تاریخ ابوالفتح*، استانبول: تاریخ عثمانی انجمنی مجموعه‌سی، صص ۴۱-۵۶؛ روحی (۱۹۹۲)، *تاریخ آل عثمان*: Belgeler, c. XIV, sa. 18, "Ruhi Tarihi Oxford Ntjshast", صص ۴۴۸-۴۴۹؛ نشری، ج ۲، صص ۶۸۸-۷۰۹؛ *تاریخ آل عثمان [مجهول المؤلف] (۱۹۹۲)*, Die altosmanischen anonymen, in text und übersetzung herausgegeben von Friedrich Giese, Breslau, Im Selbstverlage Breslau XVI احمدین شمس‌الدین ابن کمال (۱۹۵۷)، *تاریخ آل عثمان*، ۷. دفتر: Ankara, Türk Tarih Kurumu، صص ۴۲-۷۲؛ کلیبولولو مصطفی عالی (۱۲۷۷)، *کنه‌الآخبار*، ج ۵، استانبول: تقویم‌خانه عامره، صص ۲۵۴-۲۶۰.

۲ قوامی، همان، ص ۳۹.

۳ محمد نشری (۱۹۹۵)، *کتاب جهان‌نما*: hazırlayanlar Faik Reşit Unat, Mehmed Altay Köymen, Ankara, Türk Tarih Kurumu (1995)، ج ۲، ص ۷۰۴؛ ابن کمال، همان، ج ۷، ص ۷۰؛ احمد فریدون-یک (۱۲۷۴)، *منشآت السلاطین* ج ۱، استانبول: مطبعة عامره، صص ۲۳۷، ۲۴۰؛ و نیز نک: Halil İnalcık (1997), "Istanbul", *The Encyclopaedia of Islam*, New edition, vol. iv, p. 224

۴ با وجود اینکه در پژوهش‌های تاریخی مربوط به عثمانی و در میان پژوهشگران این حوزه، لقب «فاتح» رواج عام یافته است، لازم به ذکر است که در اسناد و منابع عثمانی، از وی اغلب با لقب «ابوالفتح سلطان محمدخان غازی» (به عنوان نمونه نک، محمد ظلی بن درویش اولیاء چلبی (۱۳۱۴)، *سیاحتنامه*، طابعی احمد جودت، در سعادت، اقدام مطبعه‌سی، ج ۱، ص ۳۱۴؛ حافظ حسین بن اسماعیل حسین آیوانسرای (۱۲۸۱)، *حدیقه الجوامع*، استانبول: مطبعة عامره، ص ۱۰) یا «ابوالفتوحات و المغازی سلطان محمد غازی» (سلطان محمد فاتح وقفیه‌سی» (۱۹۳۸): *Fatih Mehmet II vakfiyeleri*, Ankara, Vakıflar Umum Müdürlüğü، ص ۲۵؛ طورسون-یک، همان، ص ۸) یاد می‌شود. بر روی سنگ قبرهای باقی‌مانده از این دوره نیز القاب وی به صورت «ابوالفتح سلطان محمدخان»، «فاتح سلطان محمدخان»، «ابوالفتح سلطان محمدخان غازی» ذکر شده است (F. İsmail Ayanoğlu (1958), "Fatih Devri Ricali Mezar Taşları ve Kitabeleri", *Vakıflar Dergisi*, sa. 4, s. 206, 207, 208). همچنین مؤلف *کنه‌الآخبار* نیز در اثر خود از محمد دوم به عنوان «استانبول فاتحی» (کلیبولولو مصطفی عالی (۱۲۷۷)، *کنه‌الآخبار*، ج ۱، استانبول: تقویم‌خانه عامره، ص ۳۷) و «فاتح پایتخت روم» یاد می‌کند (Gelibolulu Mustafa Âli (1997), *Kitabü't-tarih-i künhü'l-ahbar* (Kayseri Raşid Efendi Kütüphanesindeki 901 ve 920 (No. lu nüshalara gore), haz. Ahmet Uğur ve öte., Kayseri, Erciyes Üniversitesi., c.11, s. 515

5 John Wilkinson Gibb (1902), *A History of Ottoman poetry*, vol. 2, ed. Edward G. Brown, London, Uzak & co., vol. 2, p. 22; Bernard Lewis (1972), *Istanbul and the civilization of the Ottoman Empire*, Norman and London, University of Oklahoma Press, p. 3; and see A. D. Alderson (1956), *The structure of the Ottoman dynasty*, Oxford, The Clarendon Press., pp. 111, 114.

۶ طورسون-یک، همان، ص ۵۷؛ نشری، همان، ج ۲، ص ۷۱۰.

کلان‌شهر عثمانی تبدیل شود و از نظر اهمیت از دو پایتخت پیشین یعنی بروسه و ادرنه پیشی گیرد. این مهم بیش از هر چیز در اثر تبدیل استانبول به شهری اسلامی و تغییر هویت و چهره‌ ظاهری آن از شهری مسیحی به شهری مسلمان‌نشین مقدور و ممکن می‌شد. از این رو، استانبول در کنار برخوردار بودن از اهمیت سوق‌الجیشی و سیاسی،^۱ باید از وجهه‌ای دینی و مذهبی نیز برخوردار می‌گردید.^۲ بر همین اساس به فاصله کوتاهی پس از فتح، تأسیس نهادهای دینی در استانبول، در اولویت سیاست محمد فاتح برای تبدیل استانبول به شهری اسلامی قرار گرفت.^۳ با توجه اینکه در این زمان، بین حیات دینی شهرهای عثمانی با نهاد مدرسه و طبقه مدرس‌ی ارتباط وثیقی وجود داشت، بخش قابل توجهی از تحقق این مهم (اسلامی‌سازی استانبول) در گرو برپا داشتن مدرسه در این شهر کهنسال بیزانسی سابق بود. آگاهی از چنین ضرورتی موجب شد تا افزون بر اینکه کلیسای مشهور ایاصوفیه به جامع تبدیل^۴ و در جوار آن مدرسه‌ای برپا گردید،^۵ بیش از صد کنیسه و دیر همگی به مساجد و تعدادی نیز به مدرسه و خانقاه تبدیل شدند.^۶ با این وجود، روشن بود که تبدیل استانبول به شهری اسلامی و مبدل ساختن آن به مرکز علمی و آموزشی (یا به تعبیر وقف‌نامه فاتح «دارالعلم») عثمانی،^۷ تنها با تبدیل ساختمان‌های بیزانسی به مساجد و مدارس محقق نمی‌شد و مستلزم تهیمیدات بیشتری بود.

دلایل بنای مدارس صحن (ثمانیه)

با توجه به دلایلی که گفته شد، بنای یک مجموعه بزرگ و باشکوه دینی و علمی در استانبول مشتمل بر یک جامع و هشت مدرسه در اطراف آن، به همراه یک بیمارخانه و یک

۱ در فتحنامه محمد فاتح برای اینال سلطان مملوکی مصر (حک. ۸۵۷-۸۶۵ ق. ۱۴۵۳-۱۴۶۱ م.) که به قلم ملاگورانی نوشته شده است، به این مطلب اشاره شده که فتح قسطنطنیه، به‌عنوان شهری غیر اسلامی که وسط ممالک اسلامی باقی مانده بود، ضرورت داشته است (فریدون‌یک، همان، ج ۱، ص ۲۳۶)؛ قس. Sydney Nettleton Fisher (1959), *The Middle East*, A History, New York, Alfred A. Knopf, pp. 193-4

۲ Halil İnalçık (1969/1970), "The Policy of Mehmed II toward the Greek Population of Istanbul and the Byzantine Buildings of the City", *Dumbarton Oaks Papers*, Vol. 23/24, p. 233.

۳ نک: مهدی عبادی (۱۳۸۹)، «عوامل مؤثر بر گسترش مدارس در قلمرو عثمانی (دوره کلاسیک: سده‌های ۸-۱۰ هجری)»، پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، س ۴۳، ص ۸۶.

۴ بدلیسی، همان، ورق ۶۲۱.

۵ عالی، همان، ج ۵، ص ۲۶۰.

۶ «سلطان محمد فاتح وقفیه‌سی»، ص ۳۰ (۳۴)؛ و نیز نک: Muzaffer Gökman (1943), *Fatih medreseleri*, İstanbul, Ak-Ün Matbaası, s. 15.

۷ همان، ص ۳۹ (۵۲).

عمارت در دستور کار قرار گرفت. از آنجاکه بنای مجموعه‌ای با این عظمت، نیازمند زمان زیادی بود و همین امر می‌توانست تبدیل شدن استانبول به مرکز اصلی علمی و فرهنگی عثمانی را با تأخیر مواجه سازد، هشت کنیسه از کنائس شهر به‌عنوان محل موقت این مدارس هشتگانه در نظر گرفته شد و برای هر کدام نیز مُدرّسی از عالمان برجسته انتخاب گردید که علاءالدین طوسی (د. ۸۸۷ق./۱۴۸۲م.)^۱، مصلح‌الدین مصطفی بن یوسف بروسوی مشهور به خواجه‌زاده (د. ۸۹۳ق./۱۴۸۸م.)^۲، ملا زیرک (د. ۹۰۳ق./۱۴۹۷م. [؟]) و ملا عبدالکریم (د. ۸۹۵ق./۱۴۸۹م.)^۳ از آن جمله بودند.^۴

۱ علاءالدین طوسی از جمله علمای برجسته و نامور ایرانی حاضر در بلاد روم در این زمان بود که به گزارش طاشکپری‌زاده بر علوم عقلی و نقلی تسلط داشت. او در زمان سلطان مراد دوم به بلاد روم مهاجرت کرده بود و این سلطان عثمانی با توجه به جایگاه والای علمی وی، تدریس در مدرسه پدرش محمد اول (سلطان محمد چلبی) را به این عالم برجسته ایرانی واگذار کرد. پس از اینکه علاءالدین طوسی منصب تدریس در مدارس صحن را برعهده گرفت، محمد فاتح همواره برای اذعان بیشتر بر جایگاه علمی او، برخی اوقات در جلسات تدریسش حاضر می‌شد. با این اوصاف، ظاهراً طوسی در نتیجه رنجش از محمد فاتح به دلیل اینکه اثر خطیب‌زاده درباره بررسی و مقایسه آرای غزالی در *تهافت الفلاسفة* با نظرات حکماء (فیلسوفان) را بر تألیف او موسوم به *النخر ترجیح داد*، از تدریس در مدارس عثمانی انصراف داد و به ایران و خراسان بازگشت (أحمدبن مصطفی طاشکپری‌زاده (۱۹۷۵/۱۳۹۵)، *الشقائق النعمانية فی العلماء التوتلة العثمانية*، بیروت: دارالکتب العربی، صص ۶۰-۶۱).

۲ ملاخواجه‌زاده از جمله فارغ‌التحصیلان مدرسه سلطانیه بروسه و از شاگردان خضریک ابن جلال (د. ۸۶۳ق./۱۴۵۸م.)، از مدرسان شهیر عهد مراد دوم و محمد فاتح و اولین قاضی شهر استانبول و مدرس این مدرسه بود. با توجه به اینکه پدر وی فردی تاجر و ثروتمند بود، وی به خواجه زاده مشهور شد (نک: طاشکپری‌زاده، همان، ص ۷۶). با توجه به توانایی‌های علمی خواجه‌زاده، خضریک وی را به دربار عثمانی معرفی کرد. سلطان محمدفاتح با مشاهده توانایی‌های علمی وی، او را به عنوان معلم و مصاحب خود برگزید و پس از مدتی نیز به عنوان قاضی‌عسکر منصوب گردید (همان، صص ۷۶-۷۸؛ برای آگاهی بیشتر درباره خواجه‌زاده نک: *Türkiye Diyanet Vakfı İslam Ansiklopedisi*, c. 18, İstanbul, İSAM, /207 et seq).

۳ ملاعبدالکریم نیز در این زمان جمله مدرسیان و علمای صاحب نفوذ و مشهور عثمانی بود تا جایی که به مقام شیخ‌الاسلامی، یعنی بالاترین مقام و منصب در تشکیلات علمیه عثمانی‌ها نیز دست یافت. دوره شیخ‌الاسلامی ملاعبدالکریم (د. ۸۹۵ق./۱۴۸۹م.) بعد از درگذشت فخرالدین عجمی در سال ۸۶۵ق./۱۴۶۰م. و با احتمالاً ۸۷۳ق./۱۴۶۸م. تا سال ۸۷۸ق./۱۴۷۳م. بوده است (برای آگاهی بیشتر درباره ملاعبدالکریم نک: طاشکپری‌زاده، همان، صص ۹۵-۹۶؛ محمد مجدالدین ادرنوی مجدی (۱۲۶۹)، *ترجمة شقائق حدائق الشقائق*، استانبول: مطبعة عامرة، صص ۱۷۹-۱۷۸؛ حاجی خلیفه مصطفی بن عبدالله القسطنطینی کاتب چلبی (۲۰۱۰)، *سَلْمُ الوُصُولِ إِلَى طَبَقَاتِ الفُحُولِ*، أشراف و تقدیم اکمل‌الدین احسان‌اوغلی، تحقیق محمود عبدالقادر الأرنؤوط، تدقیق صالح سعداوی صالح، اعداد الفهارس صلاح‌الدین أویغور، ج ۲، استانبول: مرکز الأبحاث للتاریخ و الفنون و الثقافة الإسلامية، صص ۲۹۸-۲۹۹ و نیز نک: Mehmet İpsirli (2005), "Molla (Abdülkerim Efendi)", *Türkiye Diyanet Vakfı İslam Ansiklopedisi*, c. 30, İstanbul, İSAM, s. 239.

۴ عاشق‌پاشا‌زاده، همان، ص ۱۴۳؛ نشری، همان، ج ۲، ص ۷۰۶؛ ابن‌کمال، همان، ج ۷، صص ۱۰۱، ۶۲۱؛ طاشکپری‌زاده، همان، صص ۷۴-۷۵؛ مجدی، همان، ص ۱۱۷؛ و نیز نک: ابن‌کمال، همان، ج ۷، ص ۷۴.

اگرچه اغلب بنای این مجموعه را در جهت فعالیت‌های عمرانی استانبول بعد از فتح به شمار می‌آورند،^۱ از مطالبی که ادريس بدلیسی درباره علت بنای این مجموعه ذکر می‌کند می‌توان چنین نتیجه گرفت که در بنای آن از سوی فاتح سه انگیزه مختلف دخالت داشت: اندوختن حسنه^۲ برای آخرت، برجای گذاشتن یادمانی برای فتح و نیز ایجاد نماد دینی-اسلامی در استانبول.^۳ در واقع وجود بناهای دینی عظیم در استانبول از جمله کلیسای ایاصوفیه که به قول بدلیسی «در غایت رتبت زینت و بهاء» و «در نهایت رفعت بنا» بودند و «طرح مبانی هر کدام محیر عقول و افهام است»، ایجاد بنایی عظیم‌تر از آنها با ویژگی‌های اسلامی را که مبین و نمودار قدرت و عظمت اسلام باشند، بیش از پیش ضروری می‌نمود.

اگرچه تبدیل ایاصوفیه از کلیسا به جامع می‌توانست نمایانگر پیروزی و برتری اسلام باشد، اما وجود عناصر معماری مسیحی و در شرایطی که بنای اسلامی بزرگ‌تر و حداقل در سطح آن وجود نمی‌داشت، تا حدودی این برتری را تحت الشعاع قرار می‌داد. بر همین اساس نیز بنای این مجموعه دینی و مذهبی عظیم در دستور کار قرار گرفت و محمد فاتح در صدد برآمد «انشاء مسجد جامعی نماید جامع محاسن صوری و معنوی» تا به صورت نماد دینی-اسلامی «قبه الاسلام» استانبول باشد.^۴ برای تحقق این مهم بود که برای بنای این مجموعه محلی مرتفع در شمال شهر استانبول،^۵ روی یکی از تپه‌های هفتگانه این شهر^۶ در نظر گرفته شد تا به نوعی عظمت آن برای هر بیننده‌ای در شهر نمودار شود و حتی عظیم‌تر از همه بناهای تاریخی شهر به نظر آید. به احتمال زیاد به همین دلیل نیز در تواریخ عثمانی اغلب از بی‌همتایی بنای این

۱ به عنوان نمونه نک: Ömer Lütfi Barkan (2000), "Fatih Cami ve İmareti Tesislerinin 1489-1490 Yılına Âit: Muhasebe Bilançoları", *Osmanlı Devleti'nin sosyal ve ekonomik tarihi: Osmanlı devlet arşivleri üzerinde tetkikler-makaleler*, yay. haz. Hüseyin Özdeğer, İstanbul, İstanbul Üniversitesi., c. 2, s.1054

۲ بدلیسی در ذکر عواملی که موجب بنای این مجموعه گردید بعد از ذکر این انگیزه به این بیت فارسی نیز اشاره کرده است: «زر و نعمت آید کسی را به کار که دیوار عقبی کند ز رنگار» (بدلیسی، همان، ورق ۶۸۴).

۳ نک: همان، ورق ۶۸۳-۶۸۵.

۴ همان، ورق ۶۸۴-۶۸۵.

۵ همان، ورق ۶۸۵.

۶ محلی که برای بنای این مجموعه بر روی تپه چهارم از تپه‌های هفت‌گانه شهر در نظر گرفته شد، در محل خرابه‌های کلیسای حواریون (سننیز آپوتریس / Saints Apotre) بود که از سوی تئودورا (Teodora) همسر امپراتور ژوستینیان (Justinian) ساخته شده بود (ایوانسرای، همان، ص ۸؛ یوزف هامر پورگشتال (۱۳۸۷)، *تاریخ امپراطوری عثمانی*، ترجمه

میرزاکی مازندرانی، به اهتمام جمشید کیان‌فر، ج ۲، تهران: انتشارات اساطیر، ص ۶۷۲؛

M. Şerafeddin Yaltkaya (1940.), "Tenzimattan evvel ve Sonra Medreseler", *Tanzimat I* (Yüzüncü Yıldönümü Münasebetiyle), İstanbul, Maarif Matbaası, s. 463; Gökman, s. 19; Cahid Baltacı (1976), *XV-XVI. Asırlarda Osmanlı medreseleri: teşkilat, tarih*, İstanbul, İrfan Matbaası, s. 350; İsmail Hakkı Uzunçarşılı (1984), *Osmanlı Devletinin İlmiye Teşkilatı*, Ankara, Türk Tarih Kurumu, s. 618, 95-96.

مجموعه سخن رفته است.^۱ آنچه که این نظر را تأیید می‌کند خاکسپاری محمد فاتح پس از مرگ وی در این مجموعه است تا در عین حال تداعی گر عظمت بنیان‌گذار آن نیز باشد.^۲ بنای این مجموعه، به تعبیر برخی مورخین «عمارت عامره»^۳ که در ۸۶۷ق/۱۴۶۳م. آغاز شده بود، در ۸۷۵ق/۱۴۷۱م. به پایان رسید.^۴ بی‌تردید مهمترین قسمت‌های این مجموعه که در عین حال بدان وجهه‌ای دینی و اسلامی نیز می‌بخشید، جامع باشکوه^۵ و مدارس هشت‌گانه بزرگ ساخته شده در اطراف آن بودند که اغلب به عنوان «مدارس عالیه» عثمانی مورد توجه بودند.^۶ این امر تنها به دلیل ساختمان و بنای باشکوه آن نبود، بلکه در کنار آن، مدرس‌ی هر یک از این مدارس به برجسته‌ترین علمای آن زمان واگذار گردید که همین امر نیز بر شهرت و شوکت آنها بیش از پیش می‌افزود.^۷ اگرچه به طور کلی گفته می‌شود که این مدارس هشت‌گانه، در ابتدا به «مدارس ثمانیه» و بعدها به مدارس صحن (صحن مدرسه‌لری) مشهور شدند،^۸ اما شواهد تاریخی این نظر را تأیید نمی‌کنند. در متن عربی وقف‌نامه عمارت محمد فاتح، نام مدارس به صورت «المدارس العالیة الثمانیة» ذکر شده است.^۹ در حالی که در متن ترکی وقف‌نامه و نیز در اغلب منابع ترکی معاصر و یا نزدیک به دوره محمد فاتح، از لفظ «سکز مدرسه» برای اشاره به این مدارس استفاده می‌شود.^{۱۰} اولیاء چلبی نیز به این نکته

۱ به عنوان نمونه نک: خواجه سعدالدین، همان، ج ۱، ص ۵۷۸؛ مؤلف *مرآت کائنات* نیز به همین مناسبت در توصیف این مدارس صحن این بیت فارسی را آورده است: «اساسی چون زمین ثابت بنایی چون فلک محکم ندیده هیچ سیاحی نظیرش در همه عالم» (محمی‌الدین محمد نشانجی‌زاده (۱۲۹۰)، *مرآت کائنات*، ج ۲، استانبول: آبی‌جا، ص ۴۰۲).

۲ بدلیسی، ورق ۸۸۵-۸۸۶؛ خواجه سعدالدین، همان، ج ۲، صص ۶-۷.

۳ *صولاق‌زاده*، همان، ص ۲۶۷، ۵۱۸؛ c. 11, s. 518; Ali, 3

۴ «سلطان محمد فاتح وقفیه‌سی»، صص ۳۷-۳۸ (۴۸-۴۹)؛ اولیاء چلبی، همان، ج ۱، ص ۱۳۸؛ آیوانسرایی، همان، ج ۱، ص ۸؛ فس. نشاجی‌زاده، همان، ج ۲، ص ۴۰۱.

۵ این جامع تنها جامع بزرگی است که از سوی سلطان محمد فاتح در استانبول بنا گردید (Robert Anhegger (1954), "Eski Fatih Cami'i Meselesi", *Tarih Dergisi*, Cilt 6, Sa. 9, s. 145). با این حال وی جوامع دیگری نیز بنا کرد که از آن جمله می‌توان به جامع ملازیرک، جامع شیخ‌وفازاده، جامع غلطه، جامع قلعه سوری، جامع قلعه‌جدیده و مسجد اسکی عمارت اشاره کرد («سلطان محمد فاتح وقفیه‌سی»، صص ۱۹۲ (۲۵۷-۲۵۸)).

۶ «سلطان محمد فاتح وقفیه‌سی»، صص ۱۴۴ (۲۶۲)، ۱۲۵ (۲۶۳)؛ نشانجی‌زاده، همان، ج ۲، ص ۴۰۱؛ خواجه سعدالدین افندی (۱۲۸۰)، *تاج التواریخ*، ج ۱، استانبول: مطبعة عامرة، ص ۵۷۸؛ c. 11, s. 519; Ali, 3.

۷ «سلطان محمد فاتح وقفیه‌سی»، صص ۳۹ (۵۲)؛ طورسون‌بک، همان، ص ۶۳؛ بدلیسی، همان، ورق ۶۸۷. Uzunçarşılı, s. 7; Fahri Unan (2008), "Sahn-ı Semân", *Türkiye Diyanet Vakfı İslam Ansiklopedisi*, c. 35, İstanbul, İSAM, s. 532.

۹ [وقف‌نامه عمارت سلطان محمد فاتح] (۱۹۴۵)، چاپ شده به صورت نسخه برگردان در: *Fatih imareti vakfiyesi*, haz. O. N. Ergin, İstanbul, İstanbul Belediyesi, ص ۲، سطر ۱۳.

۱۰ «سلطان محمد فاتح وقفیه‌سی»، صص ۳۹ (۵۲)؛ عاشق پاشا‌زاده، همان، ص ۱۴۳؛ *تواریخ آل عثمان* [مجهول‌المؤلف]، ص ۱۰۰.

اشاره کرده است که این مدارس هشتگانه در میان علما به «مدارس ثمانیه» مشهور بودند،^۱ حال آنکه در *قانون‌نامه فاتح* از آنها با نام «صحن مدرسلری» یاد می‌شود.^۲ از این رو، می‌توان گفت که از همان دوره محمد فاتح، استفاده از هر دو عنوان مذکور برای این مدارس رواج داشت. درباره اینکه چرا از این مدارس هشتگانه، با عنوان «صحن» یاد می‌شد، اطلاع قابل‌اعتنایی در دست نیست. با توجه به قرار گرفتن این مجموعه در مرکز شهر استانبول (آن روزگار)،^۳ برخی بر این نظر بوده‌اند که به همین دلیل نام مدارس صحن یا مدارس صحن ثمان بدان‌ها داده شده بود.^۴ گلیبولو مصطفی عالی افندی نیز پیش از این به این مطلب اذعان داشته است که مدارس مذکور «به موجب اینکه در میدان [وسط] دارالملک استانبول قرار گرفته بودند به مدارس صحن مشهور شدند».^۵ با این وجود، امروزه از مدارس صحن، اغلب تحت عنوان «مدارس فاتح»^۶ و نیز «مدارس صحن ثمان»^۷ یاد می‌شود.

آموزش در مدارس صحن

چهار مدرسه از مدارس صحن در شرق جامع فاتح و چهار مدرسه دیگر در غرب آن قرار گرفته‌اند^۸ که به گروه اول مدارس بحر سفید (آق‌دینز) و به چهار مدرسه دوم مدارس بحر سیاه (قره‌دینز) نیز گفته می‌شود.^۹ علاوه بر این، برای آماده ساختن سوخته‌ها (سوخته‌لر)^۱

۱ اولیاء چلبی، همان، ج ۱، ص ۳۱۴.

۲ *قانون‌نامه آل عثمان* (۱۳۳۰)، سلطان محمدخان ثانی طرفندن تنظیم اولنان برنجی قانون‌نامه اولوب ویانه کتبخانه امپراطور یسنده موجود نسخه‌سندن استنساخ ایدیلمشدیر، استانبول: احمد احسان و شرکاسی (مطبعة جلیق عثمانلی شرکتی)، صص ۱۴، ۲۰.

۳ نک: «سلطان محمد فاتح وقفیه‌سی»، صص ۴۸-۴۹، ۷۴؛ قوامی، صص ۶۰-۷۰؛ نشاجی‌زاده، همان، ج ۲، ص ۴۰۱.

۴ Uzunçarşılı, op. cit.; Gökman, s. 21.

۵ Mehmed Hamedî Çelbi Vولاتی‌زاده (۱۲۹۷)، *تاریخ صولاتی‌زاده*، استانبول: محمودبک مطبعه‌سی، ص ۲۶۷؛ Âli, c. 11, s. 513, 518.

۶ نک: Hüseyin Atay (1981), "Fatih- Süleymaniye Medreseleri Ders Programları ve İcazet-nameler", *Vakıflar Dergisi*, sa. 13, s. 172 et seq.

۷ نک: Baltacı, s. 350; Unan, s. 532.

۸ این بیان بدلیسی در هشت بهشت را می‌توان به عنوان یکی از بهترین توصیف‌ها درباره این مدارس مورد توجه قرار داد: «هشت مدرسه مؤسسه بر اشکال هندسه بیکدیگر متصل و چهار چهار متقابل و در پیشگاه هر مدرسه و وسط حجرات قبه درس خانه بر وضع کنبدی برجیس جهت مجمع افاده و تدریس» (بدلیسی، همان، ج ۷، صص ۶۸۵-۶۸۶). بدرالدین محمد عامری (د. ۹۸۴ق. ۱۵۷۷م.) که در ۹۳۶ق./۱۵۳۰م. استانبول را از نزدیک دیده است، توصیف خوبی از مجموعه جامع و مدارس صحن و دیگر بناهای مرتبط با آن به دست داده است (نک: بدرالدین محمد العامری الغزلی الدمشقی (۲۰۰۴)، *المطالع البدریة فی المنازل الرومیة*، حققها و قدم لها المهدی عید الرواضیة، أبو ظبی: دار السویدی للنشر والتوزیع و بیروت: المؤسسة العربیة للدراسات والنشر، الطبعة الأولى، صص ۱۲۲-۱۲۳).

۹ Mehmed, İpşirli (1993), "şahn-i Thaman", *The Encycloepedia of Islam, New edition*, vol. vii, p. 842; Unan, s. 532; and see Gökman, s. 25-9; Baltacı, s. 351.

جهت تحصیل در مدارس عالی صحن، در کنار هر کدام از آن مدارس و متصل بدان‌ها، یک مدرسه دیگر نیز ساخته شده بود.^۲ با این وجود که در وقف‌نامه فاتح از این مدارس کوچک‌تر به نام «مدرسه پچه [پچه]» یا «مدارس صغری» یاد شده است،^۳ اما این مدارس بیشتر به مدارس «تتمه» یا «موصلة صحن» مشهور بودند.^۴ با احتساب این مدارس هشت‌گانه صحن و هشت مدرسه تتمه یا موصلة صحن منضم بدان‌ها، در واقع تعداد مدارس موجود در مجموعه فاتح در استانبول در مجموع شانزده مدرسه بود.^۵ ضمن آنکه در کنار درب غربی جامع، یک دارالتعلیم نیز برای تعلیم قرآن به کودکان بنا شده بود.^۶ در هر کدام از مدارس صحن، ۱۹ حجره وجود داشت که ۲ حجره برای معید، ۱۵ حجره برای دانشمندان و ۲ حجره نیز برای فرآش و بوآب در نظر گرفته شده بود.^۷ در واقع مدارس ثمانیه در مجموع ۱۵۲ حجره داشت^۸ که از این تعداد، روی هم رفته ۱۲۰ حجره به طلبه‌ها اختصاص یافته بود.^۹ علاوه بر این، در هر کدام از مدارس تتمه، یک حجره (و در مجموع مدارس هشت حجره) وجود داشت که در هر کدام از آنها سه طلبه سکونت می‌کردند.^{۱۰} به طور کلی، در مدارس ثمانیه و تتمه روی هم رفته ۳۱۲ طلبه همزمان می‌توانستند به تحصیل بپردازند.^{۱۱}

دروس ارائه شده در مدارس صحن، به مانند اغلب مدارس عثمانی به علوم اسلامی اختصاص داشت که فقه، اصول فقه، تفسیر، حدیث و کلام مهم‌ترین آن‌ها به شمار می‌رفتند.^{۱۲}

۱ طلبه‌هایی که در مدارس صحن تحصیل می‌کردند دانشمند و به آنهایی که در مدارس تتمه درس می‌خواندند، سوخته نامیده می‌شدند (نک: بدلیسی، همان، ج ۷، ص ۶۸۸؛ و نیز نک: Murat Akgündüz (2002), *XIX. Asır Başlarına kadar*: Eşik Paşazade, همان، ص ۱۴۳؛ بدلیسی، همان، ورق ۶۸۸ نشری، همان، ج ۲، ص ۷۰۶؛ ابن‌کمال، همان، ج ۷، ص ۱۰۱، ۶۲۱). (Osmanlı devletinde şeyhülislamlık, İstanbul: Beyan Yayınları, s. 26)

۲ عاشق‌پاشازاده، همان، ص ۱۴۳؛ بدلیسی، همان، ورق ۶۸۸ نشری، همان، ج ۲، ص ۷۰۶؛ ابن‌کمال، همان، ج ۷، ص ۱۰۱، ۶۲۱.

۳ «سلطان محمد فاتح وقفیه‌سی»، صص ۳۹ (۵۲)، ۱۴۷ (۲۶۷).

۴ بدلیسی، همان، ورق ۶۸۸؛ Âli, c. 11, s. 513, 518؛ صولاق‌زاده، همان، ص ۲۶۷.

۵ «سلطان محمد فاتح وقفیه‌سی»، صص ۳۹ (۵۲).

۶ همان، صص ۳۹ (۵۲)، ۱۳۹ (۳۵۹)؛ علاوه بر دارالتعلیم، یک دارالشفاء، یک خانقاه و دو حمام دیگر نیز در این مجموعه ساخته شده بود (همان‌جا؛ بدلیسی، همان، ج ۷، صص ۶۸۸-۶۸۹؛ Âli, c. 11, s. 513). همچنین برای سهولت دسترسی مدرسان و دانشمندان و سوخته‌ها به کتاب‌های مورد نیاز خود، در کنار این مجموعه کتابخانه‌ای (دارالکتبی) تأسیس گردید (طورسون‌بک، همان، ص ۶۳).

۷ Âli, c. 11, s. 513; ۲۶۷؛ همان، ص ۲۶۷.

۸ Unan, op. cit.

۹ İpşirli, op. cit., vol. p. 842.

۱۰ Âli, c. 11, s. 513, 518; ۲۶۷؛ همان، ص ۲۶۷.

۱۱ Hamilton Alexander Roskeen Gibb and Harold Bowen (1957), *Islamic society and the west: a study of the impact of western civilization on Moslem culture in the Near East*, London/New York/Toronto: Oxford University, vol. 12, p. 145.

۱۲ Franz Babinger (1978), *Mehmed the Conqueror and his Time*, trans. Ralph Manheim, ed. William C. Hickman, Princeton: Princeton University, p. 296; Uzunçarşılı, s. 33.

توجه به ماهیت دروس و نیز در نظر داشتن این مهم که به دلیل اهمیت این مدارس، اغلب علمای برجسته در آنها به تدریس می‌پرداختند، مدارس مذکور به مهمترین مرکز دینی و فرهنگی عثمانی^۱ و یکی از مراکز عمده اسلام مدرسی^۲ تبدیل شدند تا جایی که اغلب علماء و مدرسین مشهور و مهم قلمرو عثمانی، به نوعی با این مدارس در ارتباط بودند و اغلب یا مدرس و استاد این مدارس بودند و یا اینکه تحصیلات خود را در آنها به اتمام رسانده بودند.^۳ این مطلب از دید ناظران در آن دوره نیز پنهان نمانده است تا جایی که بدلیسی همین مطلب را مورد توجه قرار داده و حتی با بیانی نغز چگونگی ارتباط میان این مدارس با دستگاه‌های مختلف دولت عثمانی را ترسیم کرده است.^۴

علاوه بر مطالبی که ذکر شد، توجه به چند نکته دیگر نیز می‌تواند جایگاه مدارس ثمانیه را از نظر علمی و مذهبی در حکومت عثمانی به خوبی نشان دهد. در *قانون‌نامه آل عثمان (قانون‌نامه محمد فاتح)*، به صراحت این مدارس به عنوان «مدارس عالی» مورد توجه قرار گرفته‌اند.^۵ از آنجایی که استادان و مدرسان این مدارس، از برجسته‌ترین علمای قلمرو عثمانی به شمار می‌رفتند، غالباً افراد مورد نظر برای مناصب عالی قضایی و دینی از میان آنها انتخاب می‌شد.^۶ علاوه بر این، ملاهای صحن (صحن ملالری) در مقام مولویت محسوب و جایگاه آنها بالاتر از همه سنجاق‌بک‌ها دانسته شده است.^۷ همچنین قاضی دارالسلطنه (استانبول) که غالباً از میان مدرسین این مدارس انتخاب می‌شد، هم پایه بکلربک شمرده شده است.^۸ بر همین اساس نیز می‌توان گفت که یکی از مراحل مهم تکامل آموزش مدرسی در

1 Semavi Eyice, "Fâtih Camii ve Külliyesi", *Türkiye Diyanet Vakfı İslam Ansiklopedisi*, c.12, İstanbul, İSAM., s. 244, 247.

۲ نک: عالی، همان، ج ۵، ص ۳۷.

۳ نک: ۲، Eyice, op. cit., p. 843; İpşirli, op. cit., p. 843.

۴ «از منتهیان مسالک تحصیل علوم و منتهمیان بذکا و حدت طبع در افانین فهوم در هر مدرسه جمعی مجاور و ملازم‌اند و بامر مطالعه و مذاکره و افاده و استفاده مداوم‌اند و بحسب قابلیت و بتقاضای فضیلت از مجالس این مدارس هر چند سال جمعی از قابان [؟] فاضل و مستعدان کامل را بملازمت درگاه خلافت ممتاز میگردداند و نواب همایون آن جماعت را در بلاد ممالک سلطانی از قاضی و دانی قاضی و مدرّس ساخته بتدریج بمراتب و مناصب اعزاز می‌رسانند و بمقتضای تفاوت مقادیر فهوم فردا فردا هر کدام بوظیفه و مرسوم موسوم می‌سازند و در درجات رعایت و عنایت هر یک را بمقدار راتب و رایب او می‌افرازند» (بدلیسی، همان، ورق ۶۸۷-۶۸۸).

۵ *قانون‌نامه آل عثمان*، ص ۲۰؛ لازم به ذکر است که در همان‌جا مدرسه ایاصوفیه نیز هم‌پایه مدارس ثمانیه دانسته شده است.

۶ همان‌جا؛ «سلطان محمد فاتح وقفیه‌سی»، ۳۵۸؛ و نیز نک: U. Heyd and E. Kuran (1986), "İlmiyye", *The Encyclopaedia of Islam, New edition*, vol. iii, p. 1153.

۷ *قانون‌نامه آل عثمان*، همان‌جا.

۸ همان‌جا.

دوره عثمانی در تأسیس مدارس صحن در استانبول تبلور یافت و در واقع از این زمان به بعد بود که تشکیلات علمی عثمانی ساختار و نظام مندی خاص خود را پیدا کرد که طی آن مدارس صحن در رأس آن قرار گرفته بود.^۱ در نیمه اول قرن ۱۰ ق.م، مدرسان مدارس صحن ثمان، همچنان بزرگترین مدرسان قلمرو عثمانی به شمار می‌رفتند.^۲

مدارس دیگر استانبول در عهد محمد فاتح

مدارس صحن که زمینه تبدیل استانبول به مهمترین مرکز علمی و فرهنگی عثمانی را فراهم آوردند،^۳ تنها مدارس ساخت محمد فاتح در استانبول نبودند.^۴ از جمله مدارس دیگری که این سلطان در این شهر ساخت می‌توان به مدرسه ساخته شده در کنار قبر منسوب به ابویوب انصاری،^۵ مانند مدرسه زیرک^۶ و مدرسه ایاصوفیه^۷ اشاره کرد. علاوه بر این، اهتمام سلطان

1 Mehmet İpşirli (2000), "İlmiye", *Türkiye Diyanet Vakfı İslam Ansiklopedisi*, c. 22, İstanbul: İSAM, s. 141; see Ali, c. 11, s. 520-524.

۲ العامری، همان، ۱۲۲.

۳ نک: طورسون‌بک، همان، صص ۶۳-۶۴؛ خواجه سعدالدین، همان، ج ۱، صص ۵۷۷-۵۸۸.

۴ قوامی که اثر خود *فتحنامه سلطان محمد فاتح* را در اواخر قرن ۹ ق.م به پایان رسانده، تأسیس مدارس مختلف از سوی سلطان عثمانی را بدین شکل بیان داشته است: «ذخی درو مغارس ایدده بنیاد اچنده شغل اذه عبتاد و سعناد» (قوامی، همان، ص ۲۲).

۵ پس از فتح استانبول، با توجه به اینکه روایات باقیمانده درباره محل قبر ابویوب انصاری باهم اختلاف داشتند و در این مدت نیز محل سور نیز نسبت به زمانی که وی در طی محاصره شهر در سال ۶۷۳ ق.م از دنیا رفت، تغییراتی را به خود دیده بود، سلطان عثمانی در نهایت نظر آق شمس‌الدین از مریدان حاج بیرام ولی که نزد وی حاضر بود، به عنوان نظر درست پذیرفت و در کنار آن جامع، مدرسه و خانقاهی را بنا کرد (عاشق‌پاشازاده، همان، ص ۱۴۳؛ طورسون‌بک، همان، ص ۶۶؛ قوامی، همان، ص ۵۱؛ بدلیسی، همان، ورق ۶۸۹-۶۹۰؛ نشری، همان، ج ۲، ص ۷۱۴؛ محمودبن عثمان چلبی لامعی (۱۲۷۰)، *ترجمه نجات الانس*، استانبول: مطبعة عامرة، صص ۶۸۷-۶۸۸؛ ابن کمال، همان، ج ۷، ص ۹۹؛ طاشکیری‌زاده، همان، صص ۱۴۰-۱۴۱). در مدرسه مذکور، چهارده طالب تحصیل می‌کردند که هر کدام روزی دو آقچه دریافت می‌کردند و مدرس آن نیز روزانه سی و شش آقچه دریافت می‌داشت «ایوب وقفیه‌سی» (۱۹۳۸): *Fatih Mehmet II vakfiyeleri*, Ankara: Vakıflar Umum Müdürlüğü, 287-311(1-49), صص ۲۹۱-۲۹۲ (۱۰-۱۲)؛ بدلیسی، همان، ورق ۶۹۰، *Âli*, c. 11, s. 515-6). بنا بر *وقفنامه* مجموعه ابویوب انصاری، مدرسه این مجموعه و حجره‌های آن به «ساعین در علوم شرعی اصلی و فرعی و سایر علوم شریف نقلی» وقف شده بود («ایوب وقفیه‌سی»، ص ۲۹۲ (۱۱)؛ برای آگاهی از موقوفه‌های این مجموعه نک: همان، صص ۲۹۲-۲۹۸ (۱۲-۲۴).

۶ مدرسه زیرک همراه با مدرسه ایاصوفیه که از جمله اولین مدارس تأسیس شده در استانبول بود، در واقع کلیسایی به نام پانتوکراتور (Pantokratoros/Pantakrator) بود که پس از فتح شهر از سوی سلطان به مدرسه تبدیل شد و تدریس در آن از سوی سلطان به ملا زیرک (د. ۹۰۳ ق.م/۱۴۹۷ م. [؟]) سپرده شد («سلطان محمد فاتح وقفیه‌سی»، صص ۴۲-۴۴؛ Eyice, "Fatih Sultan Mehmedin Vakfiyeleri", *Fatih Osman Nuri Ergin: "Fâtiḥ Camii ve Külliyesi"*, op. cit (1945), *Ğimareti vakfiyesi*, s. 10-41, haz. O. N. Ergin, İstanbul: İstanbul Belediyesi, s. 11). با این حال بعد از حدود ۲۰ سال بنای مستقلی برای این مدرسه نیز ساخته شد (ایوانسرای، همان، ج ۱، ص ۱۱۸).

۷ مدرسه ایاصوفیه که اولیاء چلبی از آن با نام «مدرسه ایاصوفیه کبیر» یاد می‌کند (اولیاء چلبی، همان، ج ۱، ص ۳۱۴)، از جمله اولین مدارس تأسیس شده در استانبول است که به مانند مدرسه زیرک، در طبقه فوقانی ایاصوفیه و در محل اتاق‌های

عثمانی به بنیان نهادن مدارس مختلف در استانبول، موجب شد تا وزراء، امراء^۱ و نیز تجار و علمای برجسته به تأسیس مدرسه در پایتخت روی آورند.^۲ از جمله این مدارس می‌توان به مدرسه محمود پاشا،^۳ مدرسه داوود پاشا،^۴ مدرسه مراد پاشا،^۵ روم‌محمد پاشا،^۶ مدرسه عتیق

کشیش‌های این بنا گشوده شد (Ahmet Süheyl, Ünver (1946), *Fatih, külliyesi ve zamani ilim hayatı*, İstanbul: İstanbul Üniversitesi Tıp Fakültesi, s. 9; idem(1947), *İlim ve Sanat bakımından Fatih devri notları*, İstanbul: İstanbul Büyükşehir Belediyesi, s. 68; Baltacı, s. 26, 474). اولین مدرسی که برای تدریس در این مدرسه از سوی سلطان عثمانی تعیین شد محمدبن‌فرامرین‌علی مشهور به ملا خسرو (د. ۸۸۵ق./۱۴۶۰م) بود. پس از مدتی محمد فاتح در کنار جامع ایاصوفیه، مدرسه مستقلی نیز بنا کرد (ایوانسرای، همان، ج ۱، ص ۳؛ و نیز نک: «سلطان محمد فاتح وقفیه‌سی»، ص ۴۲ (۵۷)؛ نک: Ekrem Hakkı Ayverdi (1973), *Osmanlı mimarisinde Fatih devri*, İstanbul: İstanbul Fetih Cemiyeti İstanbul Enstitüsü, c. iii, s. 318 (۸۵۷ق./۱۴۵۳م). صورت گرفت، اما بنای مستقل مدرسه احتمالاً در سال ۸۶۹ق./۱۴۶۶م. ساخته شد (نک: Ünver, *Fatih, külliyesi ve zamani ilim hayatı*, s. 11).

۱ بنا گزارش مؤلف تاریخ *ایلاف‌فتح*، محمد فاتح، به امراء و وزراء خود دستور داد تا برای عمران و آبادانی شهر علاوه بر بنای جامع، عمارت و بناهای مشابه، مدرسی را نیز بنا نمایند (طورسون‌بک، همان، ص ۶۶).

۲ Âli, c. 11, s. 519.

۳ مدرسه محمود پاشا در استانبول به وسیله محمود پاشا (د. ۸۷۹ق./۱۴۷۴م)، اولین وزیر اعظم غیر مدرسی این دوره ساخته شد که از طبقه غلامان (قوللر) بود که اصلیتی صرب یا بلغار داشت و بعد از اعدام خلیل پاشا (۸۵۷ق./۱۴۵۱م) بدین مقام منصوب شد و تا ۸۷۱ق./۱۴۶۶م. یا ۸۷۲ق./۱۴۶۷م. در این مقام بود. او بین سال‌های ۸۷۷ق./۱۴۷۲م. تا ۸۷۸ق./۱۴۷۳م. یک‌بار دیگر بدین مقام منصوب گردید (تائب احمد عثمان‌زاده (۱۹۶۹)، *حدیقه‌الوزراء*، فریبورک: صص ۹-۱۱؛ Şehabeddin Tekindağ (2000), "Mahmud Paşa", *Türkiye Diyanet Vakfı İslam Ansiklopedisi*, c. 27, İstanbul, İSAM, s. 376-7). مدرسه محمود پاشا در محل یک کلیسای بیزانسی (ایوانسرای، همان، ج ۱، ص ۱۹۱) در کنار جامع پاشای مذکور و در ۸۷۷ق./۱۴۷۲م. ساخته شد (Ayverdi, op. cit., iii, s. 443; Baltacı, s. 289).

۴ مدرسه داود پاشا در سال ۸۹۰ق./۱۴۸۵م. به وسیله قوجه (درویش) داود پاشا (۹۰۴ق./۱۴۹۹م) ساخته شد (Ekrem Hakkı Ayverdi (1953), *Fatih devri mimari eserleri*, İstanbul, İstanbul Fethi Derneği, s. 16). وی در عهد محمد فاتح به مقام وزارت دست یافت و در دوره بایزید دوم و بین سال‌های ۸۸۸ق./۱۴۸۳م. تا ۹۰۲ق./۱۴۹۷م. و به مدت پانزده سال وزیر اعظم عثمانی بود (عثمان‌زاده، همان، ص ۱۵؛ ایوانسرای، همان، ج ۱، صص ۱۰۴-۱۰۵).

۵ این مدرسه به وسیله خاص مراد پاشا، از وزرای دوره محمد فاتح بنا شد (همان، ج ۱، ص ۲۰۴؛ و نیز نک: *İstanbul vakıfları tahrir defteri: 953 (1546) tarihli*(1970), neşr. Ömer Lütfi Barkan ve Ekrem Hakkı Ayverdi, İstanbul, İstanbul Fetih Cemiyeti İstanbul Enstitüsü, s.307). با توجه به اینکه مراد پاشا در ۸۷۹ق./۱۴۷۴-۸۷۵ق./۱۴۷۳م. در جنگ اتلوق‌بلی (۸۷۸ق./۱۴۷۳م.) و در جنگ با اوزون حسن آق‌قویونلو کشته شد (ایوانسرای، همان، ج ۱، ص ۲۰۴؛ محمد ثریا (۱۳۱۱)، *سجل عثمانی یا خود تذکره مشاهیر عثمانی*، ج ۴، استانبول: مطبعة عامرة، ص ۳۵۴)، تکمیل بنای مدرسه بعد از ۸۸۲ق./۱۴۷۸م. به وسیله برادرش وزیر اعظم مسیح علی پاشا (د. ۹۰۷ق./۱۵۰۱م) به انجام رسید (Baltacı, s. 567).

۶ روم محمد پاشا (د. ۸۷۹ق./۱۴۷۴م. [۴]) از وزرای اعظم محمد فاتح بود که بین سال‌های ۸۷۲ق./۱۵۶۸م. تا ۸۷۵ق./۱۴۷۱م. به‌جای محمود پاشا در این منصب بود (Şehabeddin Tekindağ (1970), "Mehmed Paşa, Rûm", *İslam Ansiklopedisi*, c. vii, Ankara: Milli Eğitim Bakanlığı, s. 594). زمانی که وی به این مقام ارتقا یافت، صدق‌های که از سوی دولت عثمانی به علما و فقرا پرداخته می‌شد قطع گردید (عاشق‌پاشا‌زاده، همان، ص ۱۹۱). با این حال، وی در اسکدار که امروزه بخشی از استانبول به شمار می‌رود، علاوه بر جامع و عمارت، مدرسه‌ای نیز بنا کرد (عاشق‌پاشا‌زاده، همان‌جا؛ ایوانسرای، همان، ج ۲، ص ۱۹۵). مدرسه مذکور در ۸۷۶ق./۱۴۷۲م. ساخته شد (Idem, 595).

ابراهیم پاشا،^۱ مدرسه خواجه خیرالدین،^۲ مدرسه ملا گورانی،^۳ مدرسه زینی چلبی^۴ و مدرسه تخته قاضی^۵ اشاره کرد. بی تردید، تأسیس این تعداد مدرسه، در کنار بناهای دیگر به ویژه جوامع و مدارس، خود دگرگون کننده چهره شهر استانبول بود و بدان ظاهری اسلامی می بخشید و موجب شد تعداد زیادی از استادان برجسته و مشهور مدرسی و طالبان علوم شرعی در استانبول حضور پیدا کنند که از آن جمله می توان به علمای مشهوری مانند ملا گورانی (د. ۸۹۳ق. / ۱۴۸۰م.)، محی الدین محمد بن تاج الدین ابراهیم مشهور به خطیب زاده (د. ۹۰۱ق. / ۱۴۹۶م.) و محمد بن فرامرز مشهور به ملا خسرو (د. ۸۸۵ق. / ۱۴۸۰م.) اشاره کرد.

نتیجه گیری

توجه به تعداد مدارس تأسیس شده در استانبول در دوره محمد فاتح و در رأس آنها مدارس مهم صحن/ثمانیه، با بخشیدن وجهه‌ای اسلامی به استانبول به تبدیل شدن آن به مهمترین مرکز مدرسی و آموزشی عثمانی، عملاً نقش مهم و تعیین کننده‌ای را در تبدیل استانبول به کلان شهری اسلامی ایفا کردند. در سایه وجود و فعالیت این مدارس و حضور استادان و

۱ بنیانگذار این مدرسه جندرلو ابراهیم پاشا (د. ۹۰۵ق. / ۱۵۰۰م.)، وزیر اعظم بایزید دوم فرزند خلیل پاشای مقتول (۸۵۷ق. / ۱۴۵۳م.) بود که بین سال‌های ۹۰۳ق. / ۱۴۹۸م. - ۹۰۵ق. / ۱۵۰۰م. این منصب را در اختیار خود داشت (عثمان زاده، همان، صص ۱۷-۱۹؛ آیوانسرای، همان، ج ۱، صص ۲۶-۲۷). اگرچه مؤلف حدیقه جوامع سال ۸۸۳ق. / ۱۴۷۹م. را به عنوان تاریخ بنای جامع ابراهیم پاشای مذکور ذکر شده (همان، ج ۱، ص ۲۶)، در دفتر تحریر اوقاف استانبول سال ۹۵۳ق. / ۱۵۴۶م.، اواسط رجب ۸۹۹ق. / آوریل ۱۴۹۳م. به عنوان تاریخ ثبت وقف نامه ابراهیم پاشا قید شده است (Istanbul vakıfları tahriri, s. 82). علاوه بر این، تاریخ ابتدا و انتهای جامع بر روی کتیبه آن به صورت «من دخله کان آمناً» و «خیر جلیل مؤبد» قید شده (برای تصویر کتیبه جامع ابراهیم پاشا نک: Semavi Eyice, "İbrâhim Paşa Külliyesi", Türkiye Diyanet Vakfı İslam Ansiklopedisi, c. 21, İstanbul: İSAM, s. 340) که به حساب ابجد سال آغاز بنای آن ۸۸۹ق. / ۱۴۹۴م. و اتمامش ۹۳۵ق. / ۱۵۲۹م. بود (اولیاء چلبی، همان، ج ۱، ص ۳۰۷). در واقع این دو سند صحت و درستی گزارش آیوانسرای را با تردید مواجه می کند، ضمن آنکه ابراهیم پاشا که پس از قتل پدرش خلیل پاشا (۸۵۷ق. / ۱۴۵۳م.) مورد غضب سلطان محمد فاتح قرار گرفته بود، از شرایط لازم برای بنای جامع و مدرسه در استانبول برخوردار نبود و پس از جلوس بایزید دوم (۸۸۶ق. / ۱۴۸۱م.) و به همراه وی به استانبول بازگشت؛ از این رو، می توان گفت که بنای مدرسه پس از این تاریخ صورت گرفته است.

۲ مدرسه خیرالدین پاشا که در سال ۸۷۴ق. / ۱۴۷۰م. و به وسیله خیرالدین پاشا (د. ۸۸۰ق. / ۱۴۷۶م.) از مدرسین این دوره که از اساتید محمد فاتح نیز به شمار می رفت، ساخته شد (مجدی، همان، ص ۱۹۰؛ آیوانسرای، همان، ج ۱، ص ۵۳؛ و نیز نک: Ayverdi, Osmanlı mimarisinde Fatih devric. iii, s. 512).

۳ بانی این مدرسه، ملا گورانی از مدرسین شهیر عهد فاتح (د. ۸۹۳ق. / ۱۴۸۸م.) بود و بنا بر وقف نامه آن در سال ۸۸۹ق. / ۱۴۸۴م. ساخته شده بود (Baltacı, s. 311).

۴ بانی این مدرسه، زینی محمد، روزنامه جی محمد فاتح بود (آیوانسرای، همان، ج ۱، ص ۱۹۵؛ و نیز نک: عطاء الله بن یحیی نوعی زاده عطائی (۱۲۶۹)، ذیل الشقائق، ج ۱، استانبول: طبعخانه عامره، صص ۵۳۱ و ۵۴۴).

۵ مدرسه تخته قاضی که به وسیله قاضی محمد افندی (د. ۸۷۳ق. / ۱۴۶۹م.) بنا شد (همان، ج ۱، ص ۵۱۹).

طلبه‌هایی که در این مدارس تدریس و تحصیل می‌کردند، حیات اسلام شریعتی و مدرسی در پایتخت و کلان‌شهر جدید عثمانی میسر شد و به تعبیر عالی افندی حضور این تعداد از مدرسین و علما در استانبول موجب «رعایت شرع نبوی و صیانت دین مصطفوی در تمامی جهات آن گردید»^۱ مدارس با تأثیرگذاری در روند تبدیل پایتخت جدید عثمانی از دو منظر وجهه ظاهری و تشبیت حیات دینی و مذهبی در آن، نقش مهم و بی‌بدیلی را در اسلامی‌سازی این شهر ایفا کردند. از این رو، می‌توان گفت که اگر انتقال مرکز دولت به شهر تاریخی و مهم استانبول (قسطنطنیه)، با هدف افزودن بر شهرت جهانی دولت عثمانی و مبدل ساختن آن به قدرتی جهانی صورت گرفت، تبدیل آن به مرکز دینی و مذهبی برای عثمانی‌ها در سایه تأسیس جوامع و مدارس ممکن و مقدور گردید.

منابع و مآخذ

- آیوانسرای، حافظ حسین بن اسماعیل حسین (۱۲۸۱)، *حقیقة الجوامع*، استانبول: مطبعة عامرة.
- ابن کمال (کمال پاشازاده)، احمد بن شمس‌الدین (۱۹۵۷)، *تواریخ آل عثمان*، ۷ دفتر: önsöz, index ve içindekileri haz. Şerafettin Turan, Ankara, Türk Tarih Kurumu
- احسان اوغلو، اکمل‌الدین (۱۳۸۶)، «مدارس امپراتوری عثمانی»، ترجمه مهدی عبادی، *فصلنامه تاریخ اسلام*، س ۸، ش ۲۹.
- اولیاء چلبی، محمد ظلی بن درویش (۱۳۱۴)، *سیاحتنامه*، ۱ ج، طابعی احمد جودت، در سعادت، اقدام مطبوعه‌سی.
- «ایوب وقفیه‌سی» (۱۹۳۸): *Fatih Mehmet II vakfiyeleri, 287-311(1-49)*, Ankara, Vakıflar Umum Müdürlüğü.
- بدلیسی، ادريس بن حسام‌الدین (کتابت در سنه ۱۰۸۴هـ)، *هشت بهشت*، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، نسخه شماره ۸۷۶۲، به کتابت محمد معصوم زنوزی.
- *تواریخ آل عثمان* [مجهول المؤلف] (۱۹۹۲): *Die altosmanischen anonymen, in text und übersetzung herausgegeben von Friedrich Giese, Breslau, Im Selbstverlage Breslau XVI*.
- ثریا، محمد (۱۳۱۱)، *سجل عثمانی یا خود تذکره مشاهیر عثمانی*، استانبول: مطبعة عامرة.

1 Âli, c. 11, s. 519.

- خواجه سعدالدين افندى (١٢٨٠)، تاج التواريخ، استانبول: مطبعة عامرة.
- روى (١٩٩٢)، تواريخ آل عثمان (تاريخ روى): *Belgeler, c. "Ruhi Tarihi Oxford Ntjshast"*, XIV, sa. 18.
- «سلطان محمد فاتح وقفيه سى» (١٩٣٨): *Fatih Mehmet II vakfiyeleri, 14-198(1-360), Ankara, Vakıflar Umum Müdürlüğü*.
- صولاتى زاده، محمد همدى چلبى (١٢٩٧)، تاريخ صولاتى زاده، استانبول: محمودبك مطبعة سى.
- طورسون بك (١٣٣٠-١٣٣٢)، تاريخ ابوالفتح، استانبول: تاريخ عثمانى انجمنى مجموعه سى.
- طاشكپرى زاده، أحمد بن مصطفى (١٣٩٥/١٩٧٥)، الشقائق النعمانية فى العلماء الدولة العثمانية، بيروت: دارالكتب العربى.
- عاشق پاشا زاده، احمد (١٣٣٢)، تواريخ آل عثمان، استانبول: مطبعة عامرة.
- على، كليولولو مصطفى (١٢٧٧)، كنه الاخبار، استانبول: تقويم خانه عامره.
- العامرى الغزى الدمشقى، بدرالدين محمد (٢٠٠٤)، المطالع البدرية فى المنازل الرومية، حقهها و قدم لها المهدي عيد الرواضية، أبو ظبى: دار السويدى للنشر والتوزيع و بيروت: المؤسسة العربية للدراسات والنشر، الطبعة الأولى.
- عبادى، مهدي (١٣٨٩)، «عوامل مؤثر بر گسترش مدارس در قلمرو عثمانى (دوره كلاسيك: سدهاى ٨-١٠ هجرى)»، پژوهشنامه تاريخ تمدن اسلامى، س ٤٣.
- عثمان زاده، تائب احمد (١٩٦٩)، حديقة الوزرا، فريبورك: [بى جا].
- عطاى، عطاء الله بن يحيى نوعى زاده (١٢٦٩)، ذيل الشقائق، استانبول: طبعخانه عامرة.
- فريدون بك، احمد (١٢٧٤)، منشآت السلاطين، استانبول: مطبعة عامرة.
- قانون نامه آل عثمان (١٣٣٠)، سلطان محمد خان ثانى طرفندن تنظيم اولنان برنجى قانون نامه اولوب ويانه كنبخانه امپراطوريسنده موجود نسخه سندن استنساخ ايديلمشدير، استانبول: احمد احسان و شركاسى (مطبعه جيليق عثمانلى شركتى).
- قريتوولوس (١٣٢٨)، تاريخ سلطان محمد خان ثانى، مترجمى قارولىدى، استانبول: احمد احسان و شركاسى.
- قوامى (١٩٥٥)، فتحنامه سلطان محمد فاتح، حاضرلايان فرانتس بابنكر، استانبول: معارف وكالتى معارف باصيم أوى.
- كاتب چلبى، حاجى خليفه مصطفى بن عبدالله القسطنطينى (٢٠١٠)، سَلْمُ الوُصُولِ إِلَى طَبَقَاتِ الفُحُولِ،

- أشرف و تقديم أكمل الدين احسان اوغلي، تحقيق محمود عبدالقادر الأرنؤوط، تدقيق صالح سعادوى صالح، اعداد الفهارس صلاح الدين أويغور (۲۰۱۰)، استانبول، مركز الأبحاث للتاريخ و الفنون و الثقافة الإسلامية.
- لامعى، محمود بن عثمان چلبى (۱۲۷۰)، ترجمه نفحات الانس، استانبول: مطبعة عامرة.
- مجدى، محمد مجد الدين ادرنوى (۱۲۶۹)، ترجمه شقائق حدائق الشقائق، استانبول: مطبعة عامرة.
- نشانجى زاده، محى الدين محمد (۱۲۹۰)، مرآت كائنات، استانبول: [بى جا].
- نشرى، محمد (۱۹۹۵)، كتاب جهان نما: hazırlayanlar Faik Reşit Unat, Mehmed Altay Köymen, Ankara, Türk Tarih Kurumu, 1995
- هامر پورگشتال، يوزف (۱۳۸۷)، تاريخ امپراطورى عثمانى، ترجمه ميرزا زكى مازندرانى، به اهتمام جمشيد كيان فر، تهران: انتشارات اساطير.
- [وقف نامه عمارت سلطان محمد فاتح] (۱۹۴۵)، چاپ شده به صورت نسخه برگردان در: *Fatih imareti vakfiyesi*, haz. O. N. Ergin, İstanbul, İstanbul Belediyesi
- Akgündüz, Murat (2002), *XIX. Asır Başlarına kadar Osmanlı devletinde şeyhülislamlik*, İstanbul: Beyan Yayınları.
- Alderson, A. D. (1956), *The structure of the Ottoman dynasty*, Oxford, The Clarendon Press.
- Âli, Gelibolulu Mustafa (1997), *Kitabü't-tarih-i künhü'l-ahbar* (Kayseri Raşid Efendi Kütüphanesindeki 901 ve 920 No. lu nüshalara gore), haz. Ahmet Uğur ve öte., Kayseri: Erciyes Üniversitesi.
- Anhegger, Robert (1954), "Eski Fatih Cami'i Meselesi", *Tarih Dergisi*, Cilt 6, sa. 9, s. 145-60.
- Atay, Hüseyin (1981), "Fatih- Süleymaniye Medreseleri Ders Programları ve İcazet-nameler", *Vakıflar Dergisi*, sa. 13, s. 171-235.
- Ayanoğlu, F. İsmail (1958), "Fatih Devri Ricali Mezar Taşları ve Kitabeleri", *Vakıflar Dergisi*, sa. 4, s. 193-208.
- Ayverdi, Ekrem Hakkı (1953), *Fatih Devri Mimari Eserleri*, İstanbul, İstanbul Fethi Derneği, 1953.
- Babinger, Franz (1978), *Mehmed the Conqueror and his Time*, trans. Ralph Manheim, ed. William C. Hickman, Princeton: Princeton University.
- Baltacı, Cahid (1976), *XV-XVI. Asırlarda Osmanlı medreseleri: teşkilat, tarih*, İstanbul: İrfan Matbaası.
- Barkan, Ömer Lütfi (2000), "Fatih Cami ve İmareti Tesislerinin 1489-1490 Yılına Âit Muhasebe Bilançoları", *Osmanlı Devleti'nin sosyal ve ekonomik tarihi: Osmanlı devlet arşivleri üzerinde tetkikler-makaleler*, c. 2, s. 1054-1100, yay. haz. Hüseyin Özdeğer, İstanbul: İstanbul Üniversitesi.

- Ergin, Osman Nuri (1945), “Fatih Sultan Mehmedin Vakfiyeleri”, *Fatih imareti vakfiyesi*, s. 10-41, haz. O. N. Ergin, İstanbul” İstanbul Belediyesi.
- Eyice, Semavi (1995), “Fâtih Camii ve Külliyesi”, *Türkiye Diyanet Vakfı İslam Ansiklopedisi*, c.12, İstanbul, İSAM.
- Fisher, Sydney Nettleton (1959), *The Middle East: A History*, New York: Alfred A. Knopf.
- Gibb, Hamilton Alexander Roskeen and Bowen, Harold (1957), *Islamic society and the west: a study of the impact of western civilization on Moslem culture in the Near East*, London/New York/Toronto: Oxford University.
- Gibb, John Wilkinson (1902), *A History of Ottoman poetry*, vol. 2, ed. Edward G. Brown, London: Uzak & co.
- Gökman, Muzaffer (1943), *Fatih medreseleri*, İstanbul: Ak-Ün Matbaası.
 - Heyd, U. and Kuran, E., (1986), “cİlimiyye”, *The Encyclopediad of Islam, New edition*, vol. vol. iii.
- İdem (1946), *Fatih, külliyesi ve zamanı ilim hayatı*, İstanbul: İstanbul Üniversitesi Tıp Fakültesi.
- İdem (1970), “Mehmed Paşa, Rûm”, *İslam Ansiklopedisi*, c. vii, Ankara: Milli Eğitim Bakanlığı.
- İdem (1973), *Osmanlı mimarisinde Fatih devri: 855-886 (1451-1481)*, c. III-VI, İstanbul: İstanbul Fetih Cemiyeti İstanbul Enstitüsü.
- İdem (2000), “İbrâhim Paşa Külliyesi”, *ibid*, c. 21.
- İdem (2000), “İlmiye”, *Türkiye Diyanet Vakfı İslam Ansiklopedisi*, c. 22, İstanbul: İSAM.
- İdem (2005), “Molla Abdülkerim Efendi”, *ibid*, c. 30.
- -İdem, (1969/1970), “The Policy of Mehmed II toward the Greek Population of Istanbul and the Byzantine Buildings of the City”, *Dumbarton Oaks Papers*, Vol. 23/24, pp. 229-249.
- İnalcık, Halil (1997), “İstanbul”, *The Encyclopediad of Islam, New edition*, vol. iv.
- İpşirli, Mehmed, (1993), “Sahn-i Thaman”, *The Encyclopediad of Islam, New edition*, vol. vii.
- *İstanbul vakıfları tahrir defteri: 953 (1546) tarihli*(1970), neşr. Ömer Lütfi Barkan ve Ekrem Hakkı Ayverdi, İstanbul, İstanbul Fetih Cemiyeti İstanbul Enstitüsü.
- Köse, Saffet (1998), “Hocazâde Muslihuddin Efendi”, *Türkiye diyanet vakfı İslam Ansiklopedisi*, c. 18, İstanbul, İSAM.
- Lewis, Bernard (1972), *Istanbul and the civilization of the Ottoman Empire*, Norman and London: University of Oklahoma Press.
- Tekindağ, Şehabeddin (2003), “Mahmud Paşa”, *Türkiye Diyanet Vakfı İslam Ansiklopedisi*, c. 27, İstanbul: İSAM.

- Unan, Fahri (2008) , “Sahn-ı Semân”, *Türkiye Diyanet Vakfı İslam Ansiklopedisi*, c. 35, İstanbul: İSAM.
- Ünver, Ahmet Süheyl, (1947), *İlim ve Sanat bakımından Fatih devri notları*, İstanbul: İstanbul Büyükşehir Belediyesi.
- Uzunçarşılı, İsmail Hakkı (1984), *Osmanlı Devletinin İlmîye Teşkilatı*, Ankara: Türk Tarih Kurumu.
- Yaltkaya, M. Şerafeddin (1940.), “Tenzimattan evvel ve Sonra Medreseler”, *Tanzimat I* (Yüzüncü Yıldönümü Münasebetiyle), s. 463-467, İstanbul: Maarif Matbaası.

